

Strategies for Women's Sexual Deviations based on the Teachings of the Qur'an

Maryam Mahmoudi¹
Seyed Ahman Miriyan^{2*}
Hamid Mojammadghasemi³

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran
2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran
3. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran

Email: Sydahmdmyryan387@gmail.com Received: 09.01.2023 Acceptance: 20.05.2023

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2821-1294
<https://journalspsich.com>
Vol. 2, No 1, Pp: 314-340
Spring 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Mahmoudi, M., Mirian, S.A., & Mohammadghasemi, H. (2023). Strategies for women's sexual deviations based on the teachings of the Qur'an, *spsich*, 2(1): 314-340.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

The present study aims to determine preventive strategies for women's sexual deviations based on the teachings of the Qur'an. This study employs an analytical-descriptive methodology to elucidate preventive measures concerning women's sexual conduct, drawing upon the sacred text of the Qur'an. Recognizing women as integral to societal fabric and wielding significant influence on societal dynamics, religious doctrines offer efficacious strategies for their sexual education, aimed at mitigating societal deviations or their eradication. This research endeavors to address the inquiry: "What strategies, as delineated in the teachings of the Qur'an, are recommended and implemented to deter women's sexual deviations?" Findings indicate that the Qur'an advocates various measures, including faith in God and the afterlife, adherence to modest attire, preservation of chastity, pursuit of marriage, provision of exemplary conduct for women, avoidance of ostentation, regulation of gaze, cultivation of modesty and shame, employment of appropriate speech, engagement in prayer, cultivation of piety, maintenance of equilibrium in sexual matters, and observance of sexual rights, all of which are posited as integral to the prevention of women's sexual deviations.

Keywords: Qur'an, sexual deviation, prevention, women, society

راهکارهای پیشگیری از انحرافات جنسی زنان با تکیه بر تعالیم قرآن

مریم محمودی^۱
سیداحمد میریان^{۲*}
حمید محمدقاسمی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
۳. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: Sydahmdmyryan387@gmail.com

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان راهکارهای پیشگیری از انحرافات جنسی زنان با تکیه بر تعالیم قرآن تلاش نموده تا با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با مراجعه به کتاب مقدس قرآن، راهکارهای پیشگیرانه انحرافات جنسی زنان را استخراج و تبیین نماید. از آنجایی که زن نیمی از پیکره اجتماع است و تأثیر مهمی در شکل گیری جامعه دارد، لذا آموزه های دینی راهکارهای مؤثری برای تربیت جنسی وی در نظر داشته که استعانت از آنها می تواند میزان انحرافات را در جامعه کاهش و یا ریشه کن نماید. این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش است که؛ در تعالیم قرآن چه راهکارهای به منظور پیشگیری از انحرافات جنسی زنان، توصیه و به کار بسته شده است؟ نتیجه پژوهش بیانگر آن است که از منظر قرآن راهکارهایی نظیر: ایمان به خدا، ایمان به حیات اخروی، رعایت پوشش، عفت ورزی، ازدواج، الگودهی به زنان، پرهیز از تبرج، کنترل نگاه، شرم و حیا، گفتار مناسب، نماز، تقوا، ایجاد تعادل در امور جنسی و رعایت حقوق جنسی در پیشگیری از انحرافات جنسی زنان معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، انحراف جنسی، پیشگیری، زنان، جامعه

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۲۸۲۱-۱۲۹۴

https://journalspsich.com

دوره ۲ | شماره ۱ | صص ۳۱۴-۳۴۰

بهار ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(محمودی و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

محمودی، مریم، میریان، سیداحمد، و محمدقاسمی، حمید. (۱۴۰۲). راهکارهای پیشگیری از انحرافات جنسی زنان با تکیه بر تعالیم قرآن. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۱): ۳۱۴-۳۴۰.

مقدمه و بیان مسئله

زن برای تعالی و ارتقای معنوی موظف به همه وظایفی است که مرد برای ارتقای به مدارج برتر، بدان امور مکلف شده است. در ایمان، عبادات، اخلاق، معاملات و سایر احکام و حقوق شرعی زن با مرد برابر است؛ مگر در مواردی که بر اساس طبع و فطرت انسانی، جنس زن و مرد متفاوت باشند و بنا به اقتضای طبع، موردی برای زن استثنا شده باشد؛ اما در آنچه مربوط به حقوق انسانی و ارزش‌هاست، بین زن و مرد فرقی نیست؛ بلکه می‌توان گفت اهلیت و شایستگی زن در مسیر حق و طی طریق کمال انسانی از مرد بیشتر است، چرا که زن سهم بسزایی در تکوین و تکامل خانواده و اجتماع دارد. در مقابل، غفلت از استعدادهای بالقوه انسانی و احیاناً استفاده ناصحیح از آن‌ها، نه تنها موجب هدر رفتن استعداد و کمال نهفته می‌گردد، بلکه انحرافات را در پی دارد که اساس هستی و سرمایه وجودی انسان را در معرض تهدید قرار می‌دهد. به علاوه، واکاوی تاریخ نشان می‌دهد که زنان همواره در معرض انحرافات مختلفی بوده‌اند. در این میان انحرافات جنسی آسیب‌های جدی را بر شخصیت زنان وارد کرده است. از آن جا که زن نیمی از بدنه جامعه بشری را تشکیل می‌دهد، به تبع آسیب‌هایی که گریبانگیر او می‌شود، جامعه نیز در معرض انحراف و آسیب قرار می‌گیرد. لذا با توجه به وسعت و تنوع آسیب‌ها، نزد مصلحان این دغدغه به وجود می‌آید که با ارائه راهکارهای پیشگیرانه مانع از انحرافات زنان گردند. همچنین با نظر به این که در جوامع امروزی، انحرافات جنسی در میان زنان و دختران در همه جوامع بشری اعم از مسلمان و غیرمسلمان بیشتر به چشم می‌خورد و هر روز بر دامنه آن افزوده می‌شود، این ضرورت وجود دارد که مسائل و مشکلات جنسی به صورت شفاف و صریح مطرح و راه‌حل‌هایی ارائه گردد. بیان مستدل و مستند این گونه مطالب با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن می‌تواند کمکی برای حل این بحران باشد.

قرآن کریم به عنوان مرجع پذیرش و رجوع مسلمانان، در آیات مختلف و بنا به مناسبت‌های مختلف از زنان یاد نموده و آموزش‌های لازم را برای آنان ارائه کرده تا مانع از انحرافات آن‌ها گردد. این کتاب مقدس به عنوان آخرین و جامع‌ترین کتاب

آسمانی، از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی بالایی در حوزه‌های مختلف از جمله پیشگیری از انحرافات جنسی زنان به منظور سالم‌سازی فرد و جامعه برخوردار است. در این راستا قرآن، با جامع‌نگری وارد عمل شده و راهکارهایی را قبل از دچار شدن زنان به انحرافات جنسی به مثابه نقشه راه، معرفی نموده تا زنان بتوانند با استفاده از این راهکارها خود را از خطر انحراف مصون بدارند. نگارنده این پژوهش تلاش دارد تا آراء اندیشمندان اسلامی را پیرو این موضوع در نظر گرفته، و به این پرسش پاسخ دهد که؛ راهکارهای پیشگیرانه انحرافات جنسی زنان در قرآن، شامل چه مواردی می‌باشد؟

پیشینه‌شناسی

مسأله انحرافات جنسی در تعالیم اسلامی و قرآنی در آیات پراکنده آمده است. از دیرباز اندیشمندان اسلامی نیز پیرامون این موضوع، آثار متعددی را به قلم تحریر در آورده‌اند. از جمله: کجباف (۱۳۸۴) در مقاله «رفتارشناسی جنسی در اندیشه دینی»، در بحث رفتار جنسی در روابط زناشویی، به عوامل ایجاد روابط جنسی مطلوب، آداب آمیزش جنسی و آثار رفتار جنسی مطلوب در روابط زناشویی پرداخته است. همچنین نورعلیزاده میانجی (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «مدل اسلامی مصون‌سازی رفتار جنسی با تأکید بر پیشگیری و درمان انحرافات و مشکلات جنسی» به هدف دستیابی به یک مدل اسلامی رفتار جنسی سالم، رشدیافته و ایمن (مصون) از انحرافات، مشکلات و اختلال‌های جنسی، به پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی متون اسلامی (قرآن و حدیث)، به وسیله نظام پردازشگری و کشف روابط علیّ پرداخته است. نیز آجدانی و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله «راهکارهای مقابله با انحرافات جنسی در قرآن کریم» این موضوع را مورد مذاقه قرار داده‌اند. علاوه بر مقالات متعدد، پایان‌نامه‌هایی نیز در راستای این موضوع موجود می‌باشد. غریبی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «پاسخ قرآن و سنت نبوی به نیازها و مسائل جنسی» اعلام می‌دارد که قرآن و روایات در راستای پیشگیری از انحرافات جنسی دستور داده انسان‌ها نگاه خود را کنترل و از چشم‌چرانی دوری

نمایند. همچنین پرورش فضایل اخلاقی مانند عفاف و پاکدامنی، حیا و غیرت، تقویت روح ایمان، حجاب و پوشش مناسب، پرهیز از خودآرایی و خودنمایی و خلوت با نامحرم را به عنوان راه‌هایی برای جلوگیری از مفاسد جنسی مطرح کرده است. همچنین صالحی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه «اخلاق جنسی از دیدگاه قرآن و عهدین» دیدگاه سه کتاب مقدس را بنابر تفسیر مشهور و رایج مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده تا چهارچوبی شفاف از اخلاق جنسی از دیدگاه قرآن و عهدین ارائه دهد. علی‌رغم پژوهش‌های صورت گرفته، هیچ یک از موارد مذکور به صورت راهکارهای پیشگیرانه انحرافات جنسی زنان در قرآن سخن نگفته و عموماً هر یک از آنان با نگاهی کلی جنسیتی (زن و مرد) و صرفاً در یک بخش ورود نموده‌اند. نوآوری این پژوهش از آن جنبه خواهد بود که راهکارهای پیشگیرانه مستخرج، قبل از وقوع انحرافات جنسی زنان و ارتکاب عمل از سوی آنان و با محوریت قرآن صورت گرفته و نقطه محوری راهکارهای تحقیق، در رابطه با زنان و دختران می‌باشد.

روش شناسی

روش تحقیق، پژوهش حاضر به شیوه «توصیفی - تحلیلی» است. گردآوری اطلاعات به صورت روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده که عبارت است از: گردآوری اطلاعات لازم در خصوص موضوعات و ریز موضوعات پژوهش از طریق مطالعه و بررسی کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایر آثار مکتوب. در این تحقیق ابتدا متن قرآن مورد مطالعه قرار گرفت. پس از پردازش آیات مرتبط با موضوع بحث، تجزیه و تحلیل مفاهیم و مضامین مستخرج انجام گرفته است.

آشنایی با مفاهیم تحقیق

در ابتدای تحقیق به منظور آشنایی مخاطب با واژگان پرکاربرد، معانی لغوی و اصطلاحی آن مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

- پیشگیری: پیشگیری از لحاظ لغوی به معنی «جلوگیری» و «دفع» آمده است و پیشگیری کردن یعنی «مانع شدن» (معین، بی‌تا، ص ۹۳) همچنین به معنای

جلوگیری، دفع، صیانت، پاسداری، ممانعت، بستن جلو، جلوی وقوع چیزی را گرفتن، به کار گرفتن امور احتیاطی برای مانع شدن از رخدادها و ... آمده است. (همان) در اصطلاح گفته شده: پیشگیری به معنای «پیش‌دستی کردن» و «به جلوی چیزی رفتن» و نیز «آگاه کردن و هشدار دادن» است. (گسن، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳) و یا: «پیشگیری، سیاست پیشینی و متشکل از مجموعه راهکارهای مستقیم و غیر مستقیمی است که با هدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های بازدارنده از وقوع جرم و کجروی طراحی و تدوین می‌شود.» (سلیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۶) در نهایت پیشگیری یکی از سیاست‌ها و اقدامات اساسی در حوزه کنترل است. این سیاست به کلیه اقدامات و راهکارهای مستقیم و غیر مستقیم بازدارنده از وقوع جرم و انحراف و آسیب‌های اجتماعی معطوف می‌باشد.

- **انحراف جنسی:** انحراف از ماده حرف به معنای میل و عدول (ابن فارس، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۲) و نیز به معنای کج رفتن آمده است. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۸۲) همچنین نقل شده: انحراف از چیزی؛ برگرداندن از آن است و محارف به چیزی یا کسی گفته می‌شود که کسب و شغلش از او دور شده، پس از او رو برگردانده است، مانند تحریف کلام که از جهت و مقصود خودش عدول کرده باشد. (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۰) در اصطلاح انحراف را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «رفتار فردی یا گروهی که با الگوها و هنجارهای جامعه وی انطباق ندارد.» (شیخاوندی، ۱۳۷۳، ص ۳۷) و یا «رفتار شکننده هنجار.» (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۲۲۲) از نگاه دینی می‌توان آن را «مخالفت با دستورات الهی» و «انحراف از حق و راه مستقیم دین» تعریف کرد. (مصطفوی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۴-۴۵) جنسی در لغت منسوب به جنس (معین، بی‌تا، ص ۶۸) و آنچه مربوط به امور شهوانی باشد. (دهخدا، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۳۲۸) معنا شده است. در اصطلاح «جنسی»؛ به معنای: تناسلی، آلت تناسلی، دارای جنس، دارای خاصیت جنسی و نیز نر و ماده است. (صلیبا، ۱۳۹۳، ص ۲۸۹) از مجموع تعاریف این دو واژه می‌توان به مفهوم انحراف جنسی دست پیدا کرد. برخی انحراف جنسی را عبارت از آن دانسته‌اند که فرد از حالت تعادل روانی و رفتاری خارج شود که این امر خود ناشی از به هم

خوردن وحدت درون است که جامعه شناسان آن را نوعی رفتار تبهکارانه خلاف موازین اجتماعی مورد قبول دانسته‌اند که وجودش را برای دوام نظام اجتماعی و عدالت زیان‌بخش، می‌دانند. (قائمی، ۱۳۸۴، ص ۹۹) در تعریفی دیگر آمده: هر نوع رفتار جنسی خارج از چهارچوب ازدواج، انحراف جنسی تلقی می‌شود؛ زیرا آنچه طبیعت آدمی به آن متمایل است، رفتار جنسی زن با مرد در قالب ازدواج است و هر تمایل و رفتار جنسی که به نحوی برای فرد یا افراد دیگر زیان‌آور باشد، انحراف یا اختلال تلقی می‌شود. (مرویان حسینی، ۱۳۹۵، ص ۴۳) در مجموع می‌توان گفت: اصطلاح انحراف جنسی به معنی انحرافی است که موضوع جاذبه جنسی فرد را در بر می‌گیرد. به عبارت بهتر، انحرافات جنسی اختلال‌هایی محسوب می‌شوند که به موجب آن‌ها فرد تمایلات جنسی یا رفتارهایی دارد که مکرر و از لحاظ جنسی برانگیزاننده می‌شوند و انسان را از مسیر صحیح اشبای غرایز جنسی دور می‌کنند.

۱. روش‌های پیشگیری از انحرافات جنسی زنان

یکی از اهداف مهم تربیت جنسی از دیدگاه اسلام، حفظ افراد جامعه از انحراف و فساد و تباهی است که برای رسیدن به این مهم، اهداف دیگر تربیت جنسی، به نحوی سهیم هستند. جمله معروف «پیشگیری، بهتر از درمان است»، اگرچه معمولاً در مورد بیماری‌های جسمی گفته می‌شود، ولی در امور جنسی نیز جریان دارد و شاید در امور جنسی، بیشترین تأثیر را داشته باشد؛ زیرا درمان افراد مبتلا به انحراف جنسی و برگرداندن آن‌ها به حالت طبیعی، کاری بسیار دشوار است. (فقیهی، ۱۳۹۴، ص ۲۸) نیک روشن است رویکرد قرآن به میل جنسی رویکرد جامعی است که شامل پیشگیری و درمان می‌شود؛ اگرچه در وهله نخست بیشترین اهمیت را به پیشگیری داده؛ چرا که در مدیریت فردی و اجتماعی غریزه جنسی، پیشگیری راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر از درمان و مقابله است. برنامه هدایتی قرآن برای پیشگیری و جلوگیری از انحراف در این غریزه تنها در سطح پیشنهاد و ایده نمی‌باشد، بلکه برای هدایت صحیح زنان در این زمینه، روش‌های اساسی و مؤثری را طرح نموده که کاربست این روش‌ها می‌تواند آن‌ها را از خطرات انحرافات جنسی مصون داشته

و در برابر آفات آن پیشگیری لازم صورت گیرد. در ادامه این دسته از راهکارهای پیشگیرانه که قبل از وقوع انحرافات جنسی زنان، کارایی دارند، معرفی و تبیین می‌گردد:

۵-۱. ایمان به خدا: یکی از راهکارهایی که به زنان کمک می‌کند و آنان را از افتادن در دام انحرافات جنسی رهایی می‌بخشد، ایمان داشتن به خداوند است. با تکیه بر ایمان، آدمی به آموزه‌های دینی در لحظه لحظه زندگی توجه می‌کند و فرامین الهی را در مراحل گوناگون تصمیم‌گیری به کار می‌بندد. تا هنگامی که اکسیر ایمان به‌طور فعال در آدمی زنده باشد، گناه از او سر نمی‌زند؛ زیرا ایمان و گناه با یکدیگر جمع نمی‌شوند. قرآن کریم، داستان ایام جوانی حضرت یوسف (علیه‌السلام) را بازگو می‌کند که چگونه در دوران حساس بلوغ و جوانی در معرض سخت‌ترین امتحان و خطرناک‌ترین واقعه تاریخی زمان خود قرار گرفت و با اراده‌ای قوی و ایمانی راسخ، سربلند از این آزمون الهی خارج شده و در قله شرافت و عفاف جای می‌گیرد و شخصیتش برای جوانان به عنوان اسوه و نمونه‌ای کامل همیشه جاوید باقی می‌ماند. زلیخا، یوسف (علیه‌السلام) را به جانب خود دعوت کرده و درها را بسته: «وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ» (یوسف/۲۳)؛ و آن [بانو] که وی در خانه‌اش بود خواست از او کام گیرد، و درها را [پیاپی] چفت کرد و گفت: «بیا که از آن توام!» یوسف (علیه‌السلام) با کمال آرامش سخنی از ایمان بر زبان آورد که: «مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (همان)؛ پناه بر خدا، او آقای من است. به من جای نیکو داده است. قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند. یوسف احساس کرد که اگر در انحراف و خیانت با آن زن همسو شود، به ستمگری تبدیل خواهد شد که به خود و صاحب‌خانه خود که به او پناه داده و تحت‌الحمایه خود قرارش داده، ستم کرده است. این صحنه، نمایش عظیمی بود از ایمان یوسف در آن مرحله حساس جوانی، به‌طوری که در ما این باور را ایجاد کرده است که عکس‌العمل یوسف در برابر زلیخا تنها هیجان احساسات بود و بس، مانند همه انسان‌هایی که در برابر هر عامل تحریکی احساساتشان به هیجان در می‌آید، بی‌آن که به سبب وجود عوامل نیرومند

و بیدار و کنترل‌کننده در نهاد او، به هیچ اقدام عملی دست زده باشد. یوسف (علیه‌السلام) در برابر خود راهی جز فرار کردن به خاطر حفظ دین، ایمان، و اخلاق نمی‌دید، و از پی خود، شتابزدگی دیوانه‌وار آن زن را، که با همه توان سعی می‌کرد او را به سمت خویش بازگرداند، به خداوند پناه برده است.

۵-۲. ایمان به حیات اخروی: اعتقاد به حیات اخروی (معاد) بزرگ‌ترین عامل موفقیت و پیشرفت مسلمانان صدر اسلام بوده است؛ زیرا ایمان آنان به مبدأ و معاد تنها نیرویی بود که نفس سرکش آن‌ها را در برابر جرایم و گناه مهار می‌کرد و از فساد و انحرافشان جلوگیری می‌نمود (بهشتی، ۱۳۸۲، ص ۹۱) انسان اگر به این نکته توجه داشته باشد که مثلاً زنا باعث خلود در آتش قیامت خواهد شد، هرگز به دنبال این عمل زشت و شنیع نخواهد رفت. خداوند متعال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا * يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا» (فرقان/۶۸-۶۹)؛ و کسانی‌اند که با خدا معبودی دیگر نمی‌خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند، و زنا نمی‌کنند، و هر کس این‌ها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد. برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می‌شود و پیوسته در آن خوار می‌ماند. یعنی کسی که زنا می‌کند، عذاب او دو چندان خواهد شد و در آتش جاودانه خواهد بود. این عمل، بازدارنده مناسبی خواهد بود. «آیه مبنی بر تهدید است هر که به هر یک از سه جنایت شرک و قتل نفس محترم و به عمل شنیع زنا اقدام نماید شقاوت گریبانگیر او شده، به عقوبت و جزاء اعمال خود خواهد رسید.» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۴۹۸) توجه به این نکته می‌تواند به انسان اعم از زن و مرد، این شناخت و معرفت را بدهد که این دنیا پایان کار نیست و تمامی انسان‌ها در آخرت به جزای اعمال خود خواهند رسید و انحراف جنسی زنا نیز از این مجازات مستثنا نخواهد بود. در همین راستا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «وَ مَنْ خَافَ النَّارَ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۹۴)؛ کسی که از آتش بترسد، شهوات را

رها می‌کند. اعتقاد به معاد و حیات اخروی با کارکردهایی که در فرد و جامعه دارد، می‌تواند مانع بسیاری از انحرافات جنسی شود. کسی که به روز قیامت اعتقاد داشته باشد، می‌داند رفتارش رنگ ابدی به خود می‌گیرد؛ بنابراین در برابر مسائل زندگی فردی و اجتماعی، احساس مسئولیت بیشتری می‌کند و در مواجهه با انحرافات بویژه انحرافات جنسی خویشتن را کنترل می‌نماید.

۵-۳. رعایت پوشش: یکی از راهکارهای قرآن در مواجهه با انحرافات جنسی زنان که می‌تواند آن‌ها را از آسیب‌های وارده، مصون بدارد، حفظ پوشش زنان است. مراد از پوشش اسلامی زن، به عنوان یکی از احکام و جویی اسلام، این است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. در همین راستا در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلْأَوَّامِكِ وَبَنَاتِكِ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب/۵۹)؛ ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک‌تر است، و خدا آمرزنده مهربان است. معنای آیه این است که زن‌ها جلباب را به دوش خود بیندازند و صورت و اطراف بدن خود را با آن بپوشانند. و هنگامی که روپوش از صورت زنی کنار رود گویند: «أدنی ثوبک علی وجهک»؛ صورتت را با لباس بپوشان. این دستور به این سبب بود که در ابتدای اسلام زن‌ها مانند زمان جاهلیت با لباس مبتدل تنها با یک پیراهن و روسری بیرون می‌آمدند و افراد اوباش و هوسباز مزاحم کنیزها می‌شدند. گاهی هم مزاحم زن آزادی، به گمان این که کنیز است، می‌شدند. بنابراین به زنان آزاد دستور داده شد که لباس و پوشش خود را بر خلاف لباس کنیزان کنند تا فرد هوسرانی به آن‌ها طمع نکند. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۳۲) بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند. همچنین در آیه دیگری از قرآن آمده: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب/۳۳)؛ و در خانه‌هایتان قرار گیرید و

مانند روزگار جاهلیتِ قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید. به طوری که نقل شده در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند، و دنباله روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن‌بند و گوشواره‌های آن‌ها نمایان بود، و به این ترتیب قرآن همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از این گونه اعمال باز می‌دارد. بدون شک این یک حکم عام است، و تکیه آیات بر زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان تأکید بیشتر است، درست مثل اینکه به شخص دانشمندی بگوئیم تو که دانشمندی دروغ مگو، مفهومی این نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است، بلکه منظور این است که یک مرد عالم باید به صورت مؤکدتر و جدی‌تری از این کار پرهیز کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۹۱) بدیهی است حجاب و پوشش به عنوان پدیده‌ای فطری و جهان شمول، در تمام جوامع و ادیان الهی به انحای مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. حجاب اسلامی به منظور پیشگیری از آلودگی فرد و جامعه برای تأمین سلامت روحی و روانی و جلوگیری از مفاسد اجتماعی است. اگر در جامعه‌ای حجاب در روابط نامحرم عملی گردد، جرم و جنایت و فساد جنسی، کاهش چشمگیری پیدا می‌کند و اگر این راهکار به کارگیری نشود، شاهد انواع انحرافات جنسی خواهیم بود.

۴-۵. عفت‌ورزی: تربیت جنسی در مقابله با انحرافات جنسی در صورت نبود امکان ازدواج، با فرایند عفت‌ورزی محقق می‌شود. شهید مطهری در تعریف عفاف می‌گوید: «عفت حالتی نفسانی است، به معنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، تحت تاثیر قوه شهوانی نبودن» (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۵۴) قرآن کریم به کسانی که به سبب نداشتن امکانات مادی یا دلایل متعدد دیگر همسر ندارند، سفارش می‌کند که عفت بورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز کند: «وَلِيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور/۳۳)؛ و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند، باید عفت بورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند. در نظرگاه اسلامی، استعفاف سدی پولادین در برابر انحراف و بحران جنسی است. واژه عفاف از کلمه «العفة» و به معنای پدید آمدن حالتی است برای نفس که آدمی را از غلبه شهوت مصون می‌دارد و انسان متعفف کسی

است که با تمرین و تلاش مستمر و پیروزی بر شهوت، به این حالت دست یافته باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۳۹) بنابراین عفت، حالت و توان باطنی و درونی است که از طغیان شهوت جلوگیری می‌کند و هر چند اصل آن به طور طبیعی در زن و مرد وجود دارد، باید با تمرین آن را پرورش داد. البته عفت دارای مفهوم عام و خاص است. مفهوم عام آن پرهیز از هرگونه تمایلات نامشروع غرایز است و مفهوم خاص آن، بازداشتن نفس از تمایلات نامشروع غریزه جنسی است که به خویشتن‌داری می‌انجامد. (مروبان حسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۱) وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند افراد فاسد و مزاحم جرأت نمی‌کنند به او تعرض کنند. زن بدون عفت به زباله دان شهوت مردان بی اصول بدل می‌گردد. از منظر قرآن نباید گذاشت عفت زن - که مهم‌ترین عنصر برای شخصیت زن است - مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد. عفت در زن، وسیله‌ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتی در چشم مردان شهوتران و بی‌بندوبار است.

۵-۵. ازدواج: یکی از ابعاد غریزی زندگی انسان، لذت‌جویی است که بخشی از آن در روابط جنسی و فضای ازدواج تأمین می‌شود. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور/۳۲)؛ بی‌همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر تنگ دستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست. در این آیه به یکی دیگر از مهم‌ترین طرق مبارزه با انحراف جنسی که ازدواج ساده و آسان، و بی‌ریا و بی‌تکلف است، اشاره شده، زیرا این نکته مسلم است که برای برچیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرائز وارد شد. «ایامی جمع ایم است. به معنی زن بی‌شوهر اعم از بکر و ثیب یعنی؛ زن‌هایی که شوهر ندارند آن‌ها را بی‌شوهر نگذارید، شوهر دهید که بدون شوهر مفسده‌های زیادی پیدا می‌شود؛ زیرا غریزه شهوت در آن‌ها هست» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۵۲۳) تعبیر «انکحوا» (آن‌ها را همسر دهید) با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومش این است که

مقدمات ازدواج آن‌ها را فراهم سازید، از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مسأله ازدواج، و بالآخره پا در میانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست، خلاصه مفهوم آیه به قدری وسیع است که هر گونه قدمی و سخنی و درمی در این راه را شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۵۷) نیک روشن است غریزه جنسی، نیرویی است که در زن و مرد قرار داده شده و ازدواج، وسیله‌ای مجاز برای اطفای نیروی شهوت و پاسخی به این غریزه خدادادی است. بیان کامل تمام ابعاد این مسئله، بسیار فراتر از این مجال است و آیات قرآن نیز بسیار است. آیاتی که به ازدواج ترغیب و تشویق می‌کند، آیاتی که حقوق زن و شوهر را تبیین می‌کند، آیاتی که مربوط به فرزندان است. آیاتی که تخطی کنندگان از مسیر صحیح ازدواج را توبیخ کرده و مجازات آن‌ها را تبیین می‌کند، آیاتی که با بیان لزوم عفت و حجاب، عطش‌های بی‌جا را ریشه کن می‌کند. بنابراین ضمن توجه دادن به این سیستم منسجم و یک پارچه باید گفت که ازدواج در قرآن بسیار مورد ترغیب و تشویق قرار گرفته است.

۵-۶. الگودهی به زنان: انسان به فطرت خود عاشق کمال و کامل است و از نقص و ناقص منزجر است و همین عشق به کمال و انزجار از نقص آدمی را به الگوطلبی و الگوپذیری می‌کشاند و بر این اساس است که روش الگویی روشی مطلوب فطرت آدمی است و از مؤثرترین روش‌ها شمرده می‌شود. در این روش انسان نمونه‌ای عینی را مطلوب خویش می‌گیرد و به شبیه‌سازی دست می‌زند و تلاش می‌کند در همه‌ی امور خود را همانند الگوی مطلوب خویش سازد و گام در جای گام او نهد و بدو تشبه نماید. البته هر چه نمونه‌ای ارائه شده از کمال بیش‌تر و جاذبه‌ی فراگیرتری بهره‌مند باشد، روش الگویی روشی مطلوب‌تر و از کارآیی بیش‌تر برخوردار خواهد بود. بنابراین بهترین الگو، نمونه‌ای است تام و تمام و انسانی کامل که الگوهای دیگر نیز باید آدمی را بدین سمت هدایت نماید. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۴) در رابطه با انحرافات جنسی نیز می‌توان با معرفی الگوی مناسب به زنان، به گونه‌ای عمل کرد که آنان با تأسی از الگوی مناسب از این انحرافات پرهیز

نمایند. با توجه به این نکته مشاهده می‌شود که قرآن از شخصیت‌های پاک و ستوده‌ای همچون حضرت مریم (سلام‌الله علیها) یاد می‌کند. آن حضرت، نمونه انسان کامل و متجسم فضایل معنوی است. او توانست در مسیر تعالی و رشد شخصیت خدایی خود، الگوی سالکان اعم از زن و مرد باشد. او که مظهر عفاف و پاکدامنی بود، به درجه‌ای رسید که توانست به عنوان مادر حضرت عیسی (علیه‌السلام) به عنوان پیامبر اولوالعزم برگزیده شود. از برجسته‌ترین ویژگی‌های حضرت مریم (علیهاالسلام)، عفت و پاکدامنی اوست، چنان که خداوند در قرآن به این صفت او اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَائِنِينَ» (تحریم/۱۲)؛ و مریم دختِ عمران را، همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود. همچنین هنگامی که مریم (علیهاالسلام) مشغول عبادت بود، فرشته وحی بر او نازل شد. مریم مضطرب و ناراحت، درصدد پوشانیدن خود شد تا مبادا نامحرم به او نظر کند. جوان را موعظه و امر به معروف و نهی از منکر کرد و به او گفت: اگر با تقوایی، دست به این کار نزن. من که دستم بسته است، تو هم دستت را ببند. (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۷) عفت و پاکدامنی این بانو به قدری بوده که گفته شده احدی از مردان او را ندیده بود. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۲۲۶) در ادامه نیز آمده است: «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا» «أَحْصَنَتْ» از «حصن» به معنای قلعه، در مورد زنان، رمز عفت و پاکدامنی است. فخر رازی ذیل این آیه می‌نویسد: «أَحْصَنَتْ تَكَلَّفَتْ فِي عَفْتِهَا وَ الْمُحْصَنَةُ الْعَفِيفَةُ» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۷۵)؛ در این قسمت از آیه مریم را به خاطر عفتش می‌ستاید. شاید این به خاطر رفتار ناپسندی باشد که یهودیان نسبت به آن جناب روا داشته، و تهمتی باشد که ایشان به وی زدند (نساء/۱۵۶) این‌ها و دیگر آیاتی که در قرآن در رابطه با ایشان نموده، نمونه‌هایی است از فضائلی که درباره حضرت مریم (علیهاالسلام) بیان شده که زنان می‌توانند با بهره‌گیری و شناخت آن‌ها، زندگی هرچه بهتر و سعادت‌مندانه‌ای را برای خود برگزینند، چه در

زمینه عبادات ایشان و چه در زمینه اخلاق و رفتار اجتماعی و چه عفت و پاکدامنی ایشان یا ادب و راستگویی.

۵-۷. پرهیز از تبرج: در قرآن واژه تبرج به معنای خودنمایی به کار رفته است؛ زنانی که به هر وسیله می‌کوشند تا خود را در جامعه نشان دهند، متبرج نامیده می‌شوند. به ابزار و آلات تزئینی که شخص به خود می‌آویزد و با سر و صدا، توجه دیگران را بر می‌انگیزد، «متبرجات» گفته می‌شود. البته متبرجات به هر گونه وسیله‌ای که توجه دیگران را برانگیزد گفته می‌شود. بر این اساس در کاربرد قرآنی، متبرجات هر چیزی است که به شکل خاصی، شخص را در چشم دیگران قرار می‌دهد و جلب توجه می‌نماید. به زنانی هم که خود را به وسیله نوع پوشش و آرایش در چشم مردان می‌آورند، متبرج و خودنما می‌گویند. (معین‌الاسلام، ۱۳۹۸، ص ۶۹) انسان و به خصوص جنس زن فطرتاً به آراستگی و زینت‌گرایی داشته و دوست دارد در معرض توجه دیگران باشد، اما این آراستگی وقتی به حالت افراط در می‌آید، شکل خودنمایی به خود می‌گیرد که عوارض و خطراتی را برای فرد و جامعه به دنبال می‌آورد. قرآن کریم از موضوع تبرج به عنوان یکی از خصلت‌های زنان عصر حجر یاد کرده و می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب/۳۳)؛ و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید. «تبرج به تبختر و ناز راه رفتن تفسیر شده است و به این که زینت خویش را آشکار سازد و کاری کند که سبب تحریک شهوانی مردان شود؛ پوشیدن لباس نازکی که بدن را کاملاً نپوشاند، یا نشان دادن زیبایی‌های گردن، گردن‌بند و گوشواره. نهی قرآن شامل همه این موارد می‌شود؛ زیرا سبب مفسده و لغزش در ورطه گناه کبیره می‌شود.» (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳، ص ۴۸۴۹) هرچند از نگاه قرآن انجام هر عمل و اقدامی از سوی زنان که آن‌ها را در نظر مردان بیگانه آشکار می‌نماید و توجه مردان را به آن‌ها جلب می‌نماید، در گستره تبرج قرار می‌گیرد. قرآن در دو آیه از آیات حجاب، از تبرج و خودنمایی زنان صحبت کرده است. در یک جا می‌فرماید: «وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ

الْأُولَى» (احزاب / ۳۳)؛ ای زنان (در برابر نامحرم) ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید؛ مانند خودنمایی دوران جاهلیت نخستین. و در آیه دیگر می‌فرماید: «غَيْرَ مُتَّبِرَاتٍ بِزِينَةٍ» (نور / ۶۰)؛ در برابر مردم خودآرایی نکنند. در قرآن کریم، خودنمایی زنان نهی شده و به نمونه‌هایی از آن که می‌توان آن‌ها را از موارد تبرج به شمار آورد، اشاره شده است. قرآن در این آیات فقط زنان را از تبرج و خودنمایی و به نمایش گذاشتن جاذبه‌های جنسی خود در برابر نامحرم نهی کرده و از تبرج مردان سخنی نگفته است. از ظاهر این مطلب فهمیده می‌شود که گزینه خودنمایی و تبرج از ویژگی‌های خاص زنان است و ظاهراً در مردان وجود ندارد، هرچند تمایل زنان به خودنمایی و اظهار زینت‌هایشان همچون سایر غرایز بشری، نیازمند کنترل می‌باشد. از این روی، دین اسلام حد و حدود ویژه‌ای را برای آن تعریف کرده است و از آزادی بی حد و حصر آن مانع شده و مسأله پوشش را برای عرصه‌های عمومی مطرح کرده است و مشوق زنان به داشتن زینت و آرایش در عرصه‌های خصوصی شده است.

۵-۸. کنترل نگاه (غض بصر): در بین گیرنده‌های حسی، حس بینایی تأثیر زیادی در تحریک شهوت دارد. در یک دستور کلی، خداوند به پیامبرش سفارش می‌کند به زنان مؤمنان تأکید کند تا دیدگان خویش را از نگاه به نامحرم و هر آنچه نگاه به آن حرام و تحریک کننده است، فرو گیرند: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (نور / ۳۱)؛ و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند. کلمه «غض» به معنی فرو گرفتن و به پایین افکندن است، و مقصود آیه این است که چشمان خود را به پایین افکنند. انسان نمی‌تواند جهان را تغییر دهد، ولی می‌تواند خود را بر حسب حکم شرع تطبیق دهد، پس هرگاه منظری حرام را دید می‌تواند از دو راه از آن دوری ورزد: یا آن واقعیت خارجی فاسد را از بین ببرد، و یا آن که چشم خود را از آن برگیرد، و خداوند نفرموده است که به کلی چشم خود را ببندد؛ زیرا در این کار احتمال خطر سقوط و سرنگون شدن به گودالی وجود دارد. قرآن فرو گرفتن چشم و نگهداری شرمگاه را به یکدیگر مربوط می‌سازد؛ زیرا این هر دو امر در نگهداری مرد یا زن از زناکاری به هم کمک می‌کنند، مگر نه آن که

آغاز زنا همانا یک نگاه دزدانه است؟! (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۳۰۱-۳۰۲) برخی زنان تا چشمشان به جنس مخالف می‌افتد، در صورت خوشایندبودن، مایلند برای بار دوم و سوم به او بنگرند و لذت ببرند و همچنان به این نگاه مسموم و شهوانی ادامه می‌دهند. آن‌ها از این کار به هیجان می‌آیند و ارضای جنسی می‌شوند. چشم‌چرانی سبب شکسته شدن حریم عفاف می‌شود و جامعه را به سوی بی‌بندوباری، هنجارشکنی و سیطره شهوت جنسی سوق می‌دهد. چشمانی که باید عامل آسایش، آرامش و دیدن نشانه‌های الهی باشد، عامل اضطراب، التهاب، بحران، تعدی و تجاوز می‌شود. به همین جهت قرآن برای پیشگیری از انحرافات جنسی، زنان را به کنترل نگاه دعوت می‌کند. این امر خیلی واضح و روشن است تا موقعی که چشم‌های انسان صحنه‌ی تحریک‌آمیز و شهوت‌انگیز نبینند، شهوت و غریزه جنسی انسان تحریک نمی‌شود. (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۲) همین علت بود که زنان مصر، زلیخا را نسبت به عشق حضرت یوسف (علیه‌السلام) ملامت کردند، ولی وقتی یوسف (علیه‌السلام) را مشاهده کردند، به خاطر مبهوت شدن در چهره یوسف دل باختند و دست‌های خود را به جایی سبب با چاقو بردند. (یوسف/۳۱) در همین راستا پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «از نگاه به نامحرمان بپرهیزید؛ زیرا نگاه به نامحرم بذر شهوات است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۳۸) دین واقع‌نگر اسلام بر این باور است که کثرت نگاه به نامحرم، بذر انحراف را در دل آدمی می‌پاشد و چه بسا نگاه‌های نامبارک و آلوده که شخص را به اسارت و ذلت همیشگی می‌اندازد و او را از حرکت به سوی درجات عالی زندگی باز می‌دارد. بنابراین همان گونه که قرآن اعلام می‌دارد، به منظور پیشگیری از انحرافات جنسی باید چشم و نگاه کنترل شود.

۵-۹. شرم و حیا: یکی از راهکارهای پیشگیرانه فرهنگ قرآن برای روابط اجتماعی دو جنس مخالف، رعایت حریم شرم و حیا است. حیا، انکساری است که به جهت ترس از آنچه عیب شمرده و نکوهش می‌شود، حاصل می‌گردد. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۸۴) از شواهد قرآنی برای وجوب صفت حیا در زن، داستان حضرت مریم (سلام‌الله علیها) است. قرآن در قصه حضرت مریم (سلام‌الله علیها)،

پس از این که می‌فرماید: مریم به اعجاز الهی، باردار شد و برای اینکه مردم نادان او را به فحشا و بی‌عفتی متهم نکنند، از آنان فاصله گرفت تا دور از آن‌ها وضع حمل کند، می‌فرماید: «يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًا مَّنْسِيًا» (مریم/۲۳)؛ (مریم آن قدر ناراحت شد که) گفت: ای کاش پیش از این، مرده بودم و به کلی فراموش می‌شدم! این سخن حاکی از نهایت پریشانی و ناراحتی زنی است که احساس می‌کند از نظر مردم، حیا و عفتش لکه‌دار شده است، از این رو، آرزوی مرگ می‌کند. این نشان می‌دهد حیا تمام وجود اوست که با رفتن آن، جانش هم در حال از بین رفتن است و این غیر از فطری بودن حیا، دلیل دیگری ندارد. از این بیان معلوم می‌شود وقتی حیا در زن فطری باشد، پوشش و حجاب، که لازمه حیاست، نیز فطری خواهد بود؛ زیرا امکان ندارد زنی دارای حیا باشد و آن‌گاه اجازه دهد نامحرم از نگاه کردن به بدن او لذت ببرد. به عبارت دیگر، ظهور و تبلور حیا در زن، به پوشش مناسب است. در واقع، عامل اصلی گرایش زن به حجاب و پوشش، تأمین یک نیاز درونی و فطری به نام حیا و شرم است (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۵۱) شکی نیست که وجود حیا در زن تأثیرات بسیار مثبتی بر روح و روان وی دارد. شرم و حیا همچون سد و حفاظی است که زن در سایه آن از هر ذلت و تحقیری در امان می‌ماند. دین اسلام با معرفی این راهکار، نمی‌خواهد زن بازیچه دست شهوت پرستان باشد و ارزش او به میزانی تنزل کند که تنها وسیله‌ای برای اطفای شهوات به حساب آید.

۵-۱۰. گفتار مناسب: ارتباط گفتاری زن و مرد نامحرم بر اساس فقه اسلامی

مجاز شمرده شده است؛ اما قرآن در بیانی زیبا، در عین احترام به استفاده‌ی زن از حق طبیعی خود در سخن گفتن و گفت و گو با دیگران، آنان را از «خضوع در قول» نهی کرده و فرموده است: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اِتَّقِيْنَ فَلَآ تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (احزاب/۳۲)؛ ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید، اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویند. «خضوع در قول» حالت خاصی از گویش، همراه با نرمی در گفتار و نازکی صدا در ادای واژه‌هاست؛ نظیر سخن گفتن زن با

همسر خود در موارد ویژه یا حرف زدن مادر با کودک خردسال خود در مواقعی که می‌خواهد توجه او را به خود جلب کند. ویژگی این نوع گویش آن است که احساسی ویژه در مخاطب ایجاد کرده و دل او را به گوینده جلب می‌کند، گرچه آیه‌ی شریفه در ردیف آیاتی است که زنان پیامبر را مورد خطاب قرار داده و نهی در آن با «یا نساء النبی» آمده است که خطاب آیه مترتب بر زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) شده و آنان را از خضوع در گفتار نهی کرده؛ اما روشن است که رعایت این ادب برای همه‌ی زنان است و به زنان پیامبر اختصاص ندارد. جوادی آملی نه تنها نهی در آیه یاد شده را دلالت بر حرمت می‌داند، بلکه باور دارد که اسماع و رساندن صوت به گوش مرد از سوی زنی که بخواهد درس بگوید یا بخواهد موعظه کند، به قصد تحریک و تهییج، حرام است. (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ص ۷۳) پس زن در عین حال که مجاز است با مردان ارتباط گفتاری داشته باشد، موظف است به گونه‌ای سخن بگوید که حالت تسلیم و انقیاد در مقابل مخاطب از آن استفاده نشود و این امر در صورتی میسر خواهد بود که زن در موقع سخن گفتن و ارتباط با نامحرم، حالت تواضع نداشته باشد و سخنان خود را با آهنگ نرم و حالت خضوع بیان نکند.

۵-۱۱. نماز: در میان عبادات، اسلام، عنایت خاص و نظر ویژه‌ای به نماز دارد و آن را بر همه‌ی عبادات مقدم می‌شمارد. و حتی قبولی سایر عبادات را بر قبولی نماز مترتب می‌شمارد و آن را نخستین ستون دین معرفی نموده و در هر حالی الزام و وجوب آن به قوت خود باقی است و به هر شکل ممکن باید اقامه شود و آن را مرز بین کفر و اسلام خاطر نشان ساخته است. هویت و ماهیت نماز انسان‌ها اعم از زن و مرد را از انحرافات جنسی صیانت می‌کند. قرآن کریم درباره نماز می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت/۴۵)؛ قطعاً نماز انسان را از زشتی‌ها و منکرات باز می‌دارد. ماهیت و طبیعت نماز انسان را از فحشا و منکرات باز می‌دارد؛ چون نماز انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده از منکرات یعنی؛ خدا و اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد. مکارم شیرازی در مورد نماز می‌فرماید: بدون شک [نماز] در قلب و روح انسان جنبشی به سوی حق و حرکتی به سوی پاکی و جهشی به

سوی تقوا ایجاد می‌نماید. و این امور موجی از معنویت در وجود انسان به وجود می‌آورد. موجی که سد نیرومندی در برابر گناه محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۸۵) نمازگزار با امداد از نماز توانایی کنترل غرایز خود را افزونی می‌بخشد و آتش سوزاننده و پر لهیب فحشاء را که چه بسا ممکن است به انحراف جنسی بی‌انجامد به آب عفاف، سرچشمه گرفته از نماز، خاموش می‌کند. در آیه دیگری از قرآن آمده: «غیر از نمازگزاران ... و کسانی که دامن خود را حفظ می‌کنند، مگر بر همسران خود یا کنیزانشان که [در این صورت] مورد نکوهش نیستند.» (معارف/ ۲۲-۳۰) کاهش انحرافات جنسی با نماز به این خاطر است که نماز الفت و عالی‌ترین محبت بین بندگان خداوند و حضرت حق است و بی‌تردید در میان عبادات و مسائل معنوی و ملکوتی نماز از ارزش و اهمیت خاص برخوردار است. باتوجه به اینکه بهترین و کامل‌ترین راه پیشگیری از انحرافات تقویت باورها و اعتقادات می‌باشد، نماز در این راه بهترین وسیله است.

۵-۱۲. تقوا: یکی از راهکارهای پیشگیرانه قرآن از انحرافات جنسی زنان، تقوا می‌باشد. تقوا، اصطلاحی در فرهنگ اسلامی ناظر به گونه‌ای مراقبت از نفس و اعمال که درباره معنای دقیق آن، سخن فراوان در منابع گفته شده است. تقوا حالتی در فرد است که به او مصونیت روحی و اخلاقی می‌دهد و باعث می‌شود وقتی در محیط گناه قرار می‌گیرد، گناه نکند. (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۲۰-۲۱) خداوند متعال در قرآن امکان تعدیل شهوات زنان را که موجب مصونیت آنان از انحراف جنسی می‌شود، در پرتو تقوا امکان‌پذیر می‌داند: «زَيْنَ النَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ ... * قُلْ أُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكَمُ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ» (آل عمران / ۱۴-۱۵)؛ دوستی خواستنی‌ها ای گوناگون [از: زنان ... بگو: آیا شما را به بهتر از این‌ها خبر دهم؟ برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نزد پروردگارشان باغ‌هایی است که از زیر [درختان] آن‌ها نهرها روان است در آن جاودانه بمانند، و همسرانی پاکیزه و [نیز] خشنودی خدا [را دارند]، و خداوند به [امور] بندگان [خود] بیناست. تقوا نیروئی است روحی، نیروئی مقدس و متعالی که منشأ کشش‌ها و گریزهائی می‌گردد، کشش به سوی ارزش‌های معنوی

و فوق حیوانی و گریز از پستی‌ها و آلودگی‌های مادی. اگر فرد و جامعه مجهز به سلاح تقوا باشند، از بسیاری از انحرافات جنسی جلوگیری می‌شود. در قرآن خداوند متعال خطاب به زنان گفته است: «بر زنان، در مورد پدران و پسران و برادران و پسران برادران و پسران خواهران و زنان [همکیش] و بردگانشان گناهی نیست [که دیده شوند] و باید از خدا پروا بدارید که خدا همواره بر هر چیزی گواه است.» (احزاب/۵۵) در تفسیر این آیه آمده است: تقوا برترین عاملی است برای حفظ انسان از تعدی از حدود شریعت. و تا در کسی روح تقوا نباشد نمی‌تواند ملتزم به بسیاری از احکام شرع باشد. طبیعت زن این است که دلش می‌خواهد آزاد و بی‌بندوبار باشد و هیچ چیز مانع این آزادی و بی‌بندوباری همانند تقوا نیست. (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۳۰۴) تقوا پیشگی و مراعات هر آن چیزی که زن را از گناهان عقلی و عقلایی و شرعی حفظ می‌کند، از جمله وظایف زن است که در آیات مذکور تبیین شده است. هر زنی می‌بایست چنان در برابر نامحرمان و غیرمحرمان قرار گیرد که هیچ‌گونه احتمال تحریک جنسی وجود نداشته باشد و زمینه خیانت فراهم نیاید.

۵-۱۳. ایجاد تعادل در امور جنسی: اعتدال در کردار و گفتار نشانه منشور

یک زندگی سالم است؛ توصیه‌ای که لقمان حکیم به فرزند خویش می‌کند که اعتدال در راه رفتن را مثال می‌زند (لقمان/۱۹) به طور کلی هر گزینه‌ای نیاز به آن دارد تا در حد معینی اشباع گردد. خداوند در قرآن کریم کسانی را که از پای از فطرت و سنت آفرینش بیرون گذاشته‌اند، این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (مائده/۸۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای [استفاده] شما حلال کرده، حرام مشمارید و از حد مگذرید، که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد. «و لَا تَعْتَدُوا» یعنی و تجاوز مکنید از حدود الهی که آنچه حرام ساخته شما آن را حلال کنید بر خود و حرام گردانید بر خود آنچه بر شما حلال ساخته است (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۳، ص ۳۰۸) تنها نظریه اعتدال و میانه‌روی در مسئله گزینه جنسی، دیدگاه اسلام است. تعدیل یعنی؛ حفظ حد

وسط و تعادل درانجام هر کاری، و تعدیل در امور جنسی، یعنی نه افراط و نه تفریط، بلکه میانه و حد وسط آنها، یعنی در برآورده شدن نیاز غریزه جنسی، زیاده‌روی و کوتاهی نکند؛ چرا که افراط و تفریط در رفع این نیاز، بر جسم و روح انسان تأثیر سوء می‌گذارد و باعث بهم ریختگی روان او می‌گردد و از دایره تعادل خارج می‌شود. قرآن مجید مخالف غرایز انسانی نیست؛ بلکه به انسان‌ها توصیه می‌کند که غرایز خود را تعدیل کنید و آنچه که فطرت شما تقاضا دارد به همان مقدار اکتفا نمایید. دین اسلام دین فطرت است و نمی‌خواهد انسان بر خلاف فطرت خود عمل نماید. انسان مثل حیوان نیست که در عمل جنسی خط قرمز نداشته باشد؛ بلکه انسان در ابعاد مختلف زندگانی خود، حدود معین دارد و در هر شرایطی وظیفه دارد تا کرامت انسانی خود را حفظ نماید. در آیه‌ای دیگر نیز خداوند روابط جنسی خارج از حدود پذیرفته شده را تجاوز و خروج از اعتدال برمی‌شمارد: «فَمَنْ أُبْنَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (معارف/۳۱)؛ و هر کس پا از این [حد] فراتر نهد، آنان همان از حد درگذرندگانند. این آیه بیان حکم حرمت مباشرت و زناشوئی است جز با زوجه خود به عقد دائم و یا به عقد انقطاع و متعه و همچنین بانوان و کنیزانی که مالک تصرف در آنان می‌باشد و هر که در باره مباشرت و زناشوئی یا غیر این دو قسم برآید مجرم و گناهکار معرفی می‌شود. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۸۲) به تعبیری کسی که جلو شهوت خود را رها نمود و در اعمال شهوترانی اکتفا بر زن‌های حلال و کنیزان خود ننمود و پیرامون غیر آن گردید، چنین کسی تعدی نموده و به حکم عقل و شرع از اعتدال خارج گردیده است. شایان ذکر است برخوردهای افراطی و تفریطی در رویارویی با واقعیتی به نام غریزه جنسی حاکی از نشناختن غریزه جنسی است. برخلاف دو رویکرد افراط و تفریط گونه با غریزه جنسی در غرب، در فرهنگ اسلامی، رویکردی اعتدالی، همراه با پذیرش واقعیت و شناخت دقیق حقیقت غریزه جنسی دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که هم شهوت‌گرایی و برخورد افراطی با غریزه جنسی و هم برخورد تفریطی یعنی عزلت‌گزینی، رهبانیت و عدم استفاده مطلق از لذت‌های جنسی مشروع، در اسلام مردود است.

۵-۱۴. رعایت حقوق جنسی: خداوند متعال با توجه به توانمندی‌ها و نیازهای گوناگون زن و مرد برای آنان حقوق متقابلی را وضع کرده و آن‌ها را به انجام دادن، مکلف نموده است. آگاهی از این حقوق برای زنان و مردان، زمینه مناسبی را برای ارتقای سطح زندگی مشترک آن‌ها فراهم می‌سازد. از بین حقوق گوناگون زوجین، حقوق جنسی با ازدواج برای هر یک از زوجین نسبت به یکدیگر پدید می‌آید. منظور از حقوق جنسی، حق‌هایی است که پس از ازدواج پدید می‌آیند و همگی در ارتباط با لذت جنسی زوجین اند. هر یک از زوجین در برابر حقوقی که همسرش دارد، موظف به انجام دادن فعالیت‌هایی است که در جهت لذت جنسی همسرش باید انجام دهد. قرآن مجید درباره این می‌فرماید: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء/۱۲۸)؛ و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد، بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر، به آشتی گریند که سازش بهتر است. و [الی] بخل [و بی‌گذشت بودن]، در نفوس، حضور [و غلبه] دارد و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. مهم‌ترین و اساسی‌ترین حق جنسی، تمکین نسبت به همسر و پرهیز از نشو و است. هر یک از زوجین، احساس نیازی می‌کند که همسرش برای لذت او، فعالیت کند و بدون عذر، از آمیزش خودداری ننماید. این احساس نیاز، هر یک نسبت به دیگر دارد، این‌ها در اصطلاح حقوق فقهی حق تمکین نام دارد و موجب وظایفی ویژه در فعالیت‌های جنسی و آمیزش برای زن و شوهر می‌گردد. (رضوی، ۱۳۹۹، ص ۸۷) زن و شوهر باید طوری رفتار کنند که علاقه و عشق همدیگر را جذب کنند تا عنان قلبشان در اختیار یکدیگر قرار گیرد و جز عشق به همسر، عشق دیگری را در دل نپروراند. در صورتی که این نیاز برآورده نشود، عوارض نامطلوبی را به دنبال خواهد داشت که سرخوردگی، انحراف، بی‌عفتی، بی‌رغبتی به یکدیگر، ستیز و خصومت از آن جمله می‌باشد. طبیعت زن توأم با حیا، عفت و شرم است. او نمی‌تواند در اظهار نیازش پیشدستی کند و از شوهرش کام بگیرد، لذا شوهر موظف

است در این زمینه همسر خود را فراموش نکند. (بابازاده، ۱۳۷۰، ص ۱۹۸) با توجه به تعالیم قرآن می‌توان به این نتیجه رسید که اسلام ارضای جنسی زنان را نادیده نگرفته و برای زن هم به نوعی حق جنسی قائل شده است که رعایت این حقوق از سوی همسران، زنان را از لوث انحرافات جنسی پاک می‌سازد.

نتیجه گیری

قرآن کریم، به عنوان آخرین و جامع‌ترین کتاب آسمانی، از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی بالایی در حوزه‌های مختلف از جمله پیشگیری از رذیلت‌های اخلاقی به منظور سالم‌سازی فرد و جامعه برخوردار است. یکی از رذیلت‌های اخلاقی پست و فرومایه که گسترش و فراگیری آن از عوامل مهم سقوط و تباهی هر جامعه‌ای به شمار می‌آید، انحرافات جنسی به ویژه در میان زنان و دختران است که به جهت پیامدهای جسمی و روحی این انحرافات، قرآن با رویکردی پیشگیرانه و با ظرافت و موشکافی خاصی در صدد پیشگیری از وقوع آن‌ها برآمده است. از منظر قرآن، زنان با ایمان به خداوند، او را هر لحظه ناظر بر اعمال خود می‌بینند، پس از آسیب انحرافات جنسی خود را محافظت می‌نمایند. همچنین ایمان به حیات اخروی و حساب و کتاب روز قیامت، مانع از انحرافات جنسی آنان خواهد شد. راهکار پیشگیرانه دیگر قرآن، رعایت پوشش و حجاب از سوی زنان است تا از هر گونه نگاه شهوت‌آلود و جنسی مردی در امان بمانند. در همین راستا عفت ورزیدن از سوی زنان و دختران نیز مورد توصیه قرآن می‌باشد. با توجه به آثار ازدواج، قرآن ازدواج را از بهترین و کارآمدترین راهکارهایی دانسته که زنان را از آسیب‌های جنسی مصون داشته و با توجه به اینکه هم زن و هم مرد با این روش به آسایش جنسی و روانی می‌رسند، انحرافات جنسی در جامعه به حداقل می‌رسد. تعالیم قرآن همچنین با معرفی نمودن الگوهای پاکدامن همچون مریم (سلام‌الله علیها) راه درست را به زنان و دختران نشان داده است. قرآن همچنین زنان را از انواع تبرج و خودنمایی بر حذر داشته است. آیات قرآن از زنان دعوت می‌نماید تا با کنترل نگاه خود از هر گونه چشم‌چرانی پرهیز نمایند. آموزه‌های وحیانی قرآن همچنین به زنان توصیه

می‌کند تا در رفتار خود با مردان و نامحرمان، شرم و حیا داشته و در ارتباط با مردان جامعه، به درستی سخن گویند و از تواضع در سخن و گفتار نابجا بپرهیزند. قرآن همچنین عمل عبادی نماز را در کاهش انحرافات جنسی زنان مؤثر دانسته است. در آیات قرآن، راهکار دیگری به نام تقوا مطرح نظر بوده که با توجه به نقش کنترل‌کننده آن، می‌تواند بازدارنده زنان از انحراف جنسی معرفی شود. قرآن همچنین غرایز جنسی را به طور کامل تعطیل نکرده و با رویکردی اعتدال‌گرا به دنبال اشباع غرایز جنسی بوده و با دعوت زوجین به رعایت حقوق جنسی، زمینه را برای مصون‌سازی زنان از انحرافات جنسی فراهم نموده است.

منابع

- قرآن کریم (۱۴۱۴ق) ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم.
- ابن فارس، احمد (بی‌تا) معجم مقائیس اللغه، تحقیق عبدالسلام هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- بابازاده، علی‌اکبر (۱۳۷۰) مسائل ازدواج و حقوق خانواده، مشهد، بدر.
- بهشتی، ابوالفضل (۱۳۸۲) سیمای مؤمن در قرآن و حدیث، قم، بوستان کتاب.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶) زن در آینه جمال و جلال، قم، نشر اسراء.
- حسینی همدانی، سیدمحمدحسین (۱۴۰۴ق) انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۷) مشرب مهر روشهای تربیت در نهج البلاغه، تهران، دریا.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۱) لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۲۸ق) مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
- رجبی، عباس (۱۳۸۳) حیا و خودآرایی و نقش آن‌ها در سلامت روانی زن، معرفت، شماره ۸۷.

- رضوی، سیدنوشاد حسین (۱۳۹۹) **روش‌های تربیت جنسی در قرآن با نقد لیبرالیسم (غرب)**، جامعه المصطفی العالمیه. حسن علمی.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۰) **جامعه‌شناسی کجروی**، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۳) **جامعه‌شناسی انحرافات**، تهران، نشر مردنیز.
- صلیبا، جمیل (۱۳۹۳) **فرهنگ فلسفی**، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، حکمت.
- صاحب بن عباد، اسماعیل (۴۱۴ق) **المحیط فی اللغه**، بیروت، عالم‌الکتاب.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷) **تفسیر جوامع‌الجامع**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵) **مجمع البحرین**، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸) **أطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات اسلام.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق) **مفاتیح الغیب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فقیهی، علی نقی (۱۳۹۴) **تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث**، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- فیومی، احمد بن احمد (۱۴۱۴ق) **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**، قم، دارالهجره.
- قائمی، علی (۱۳۸۴) **خانواده و مسائل جنسی کودکان**، تهران، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸ق) **محاسن التأویل**، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷) **تفسیر قمی**، قم، دارالکتاب.
- کاشانی، ملافتح‌الله (۱۳۳۶) **تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین**، تهران، کتابفروشی محمد.

- گسن، ریموند (۱۳۹۲) **جرم‌شناسی کاربردی**، ترجمه مهدی کی‌نیا؛ تهران، مجد، چاپ پنجم.
- مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق) **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
- مدرس، محمدتقی (۱۳۷۷) **تفسیر هدایت**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- مرویان حسینی، سید محمود (۱۳۸۱) **تربیت جنسی در اسلام: آموزه‌ها و راهکارها**، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مصطفوی، حسن (بی‌تا) **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲) **تعلیم و تربیت**، تهران، صدرا.
- (۱۳۹۷) **ده‌گفتار**، تهران، صدرا.
- معین، محمد (بی‌تا) **فرهنگ فارسی معین**، بی‌جا، امیرکبیر.
- معین‌الاسلام، مریم (۱۳۹۸) **زینت و عفاف در حج**، تهران، نشر مشعر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴) **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- هاشمی علی‌آبادی، سید احمد (۱۳۹۰) **غریزه جنسی از نگاه اسلام**، تهران، کمال اندیشه تهران.